

## از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پی‌آمدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه نشریه ملانصرالدین

عباس قدیمی قیداری\*

زهرا کاظمی\*\*

### چکیده

مواجهه مسلمانان با دنیای مدرن آنان را به بازنگری در حوزه‌های مختلف، از جمله حجاب زنان و حضور اجتماعی آنان، واداشت. در این بین، تمرکز در مقاله حاضر معطوف به تبیین رویکرد نشریه تجدیدطلب ملانصرالدین به مسئله حجاب و مشارکت اجتماعی زنان است. سؤال در این تحقیق این است که مصادیق حجاب از نظر ملانصرالدین چه بود و چگونه بین معانی سنتی حجاب و دلالت‌های مدرن از آن و مسئله حضور اجتماعی زنان پیوند برقرار کرد؟ روش پژوهش توصیفی و تحلیل محتوای مقاله‌های ملانصرالدین در پنج سال نخست آن است. نتایج نشان می‌دهد ملانصرالدین با تأسی به تجددگرایی بحث حجاب را به‌چالش کشید و از حضور اجتماعی زنان حمایت کرد و با رد صریح هرگونه ارتباط حجاب و عفاف آن را برداشتی سنتی دانست و بر انتخابی بودن حجاب و مغایرت نداشتن آن با آموزه‌های سنتی تأکید کرد.

**کلیدواژه‌ها:** حجاب، حضور اجتماعی، زنان، عرصه خصوصی، نشریه ملانصرالدین.

### ۱. مقدمه

به‌دنبال رویارویی جوامع مسلمان با مظاهر دنیای مدرن، روشن‌فکران جهان اسلام در اندیشه

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، ghadimi@tabrizu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)، kazemi.zahrat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۵

اصلاحات بنیادی به منظور خروج از عقب ماندگی برآمدند. این مواجهه مسلمانان را به بازنگری در حوزه‌های مختلف از جمله زنان و اداهشت تا از این طریق بتوانند در راه تجدد گام نهند. فرایند این بازاندیشی خروج زن از مفهوم سنتی و ایجادکردن وضعیتی بود که در آن زن عرصه جدال جریان فکری سنت‌گرایی و تجددگرایی شد و تصویر تازه‌ای از زن در جهتی کاملاً متفاوت از دوره قبل شکل گرفت. در این بین، حجاب و پوشش زنان و چگونگی آن به مسئله بنیادینی تبدیل شد و جدال‌هایی به وجود آورد که تا امروز هم چنان به قوت خود باقی است. جریان سنتی دل‌نگران تغییر در وضعیت حجاب، به منزله مهم‌ترین نماد سنت، و حضور اجتماعی زنان بود. از سوی دیگر، حجاب زنان و نوع پوشش و مستوری آنان در نگاه فرنگیان حیرت‌انگیز می‌نمود. همان‌طور که حضور زنان بی‌حجاب اروپایی در حریم همگان برای مسلمانان شگفت‌انگیز بود (توکلی طرقتی ۱۳۸۲: ۱۲۹). در این بین، جریان مدرنی که نشریه *ملائصرالدین* منادی آن بود، بر لزوم تغییر پوشش زنان و بیرون‌کشیدن آنان از منازل و حضور اجتماعی‌شان تأکید داشت. این جریان حجاب سنتی زن مسلمان را با توجه به الزام‌های عصر جدید و تغییرات روبه‌گسترش در وضعیت فردی و اجتماعی زنان در زمانه جدید مناسب نمی‌دانست و بر تغییر و تعدیل آن تأکید می‌کرد. تلاش نوگرایان بر این بود که زنان را، به منزله نیمی از پیکره جامعه، از محیط‌های اندرونی به عرصه اجتماع وارد کنند، اما این امر چگونه با مستوری زنان امکان‌پذیر بود؟ نشریه *تجددطلب ملائصرالدین* مقاله‌های متعددی را به مسئله حجاب و پوشش زنان اختصاص داد. *ملائصرالدین* با نویسندگانی چون صابر، محمدسعید اردوبادی، علیقلی نجف‌اوف، و کاریکاتورریست‌هایی چون عظیم عظیم‌زاده و شمزلینگ جزو یکی از تأثیرگذارترین نشریه‌های عصر مشروطه در طول سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱ م بود که با چندین وقفه به مدیریت محمدجلیل قلی‌زاده در تغلیس، تبریز، و باکو به زبان ترکی انتشار یافت. *ملائصرالدین* با رویه اجتماعی - انتقادی خود احکام و مسائل مربوط به زنان را، به مثابه بخشی از سنت، مورد نقادی قرار داد و از همان نسخه‌های آغازین خود در مناطق مختلف، به‌ویژه ایران، با اقبال وسیعی مواجه شد. این نشریه در ادامه بر شیوه روزنامه‌نگاری دوره مشروطیت تأثیر گذاشت و از لحاظ اسلوب و محتوا الگوی روزنامه‌هایی چون *صور* / *سرافیل* در مجموعه *چرند و پرنده*، *آذربایجان*، *نسیم شمال*، و چندین روزنامه دیگر شد. این نوشته درصدد آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی رویکرد *ملائصرالدین* را به پوشش زنان بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که مصادیق حجاب از نظر *ملائصرالدین* چه بود و چگونه بین معانی سنتی حجاب و دلالت‌های مدرن از آن و مسئله حضور اجتماعی زنان

از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پی‌آمدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه ... ۱۹۳

پیوند برقرار کرد؟ با عنایت به نقش مهمی که این نشریه در طرح و حمایت از حقوق زنان داشت، بررسی این مسئله اهمیت زیادی در شناخت و تبیین اندیشه دگراندیشان مسلمان اوایل قرن بیستم درباره زنان مسلمان و مواجهه آنان با مدرنیته دارد.

پژوهش درباره هفته‌نامه تأثیرگذار *ملانصرالدین* و اهمیت آن در حوزه زنان قابل بررسی است. پژوهش حاضر نیز از منظر ادبیات موضوعی زیرمجموعه این حوزه است. موضوع حجاب در اندیشه *ملانصرالدین* تاکنون موضوع پژوهشی مستقل در این زمینه نبوده است. تحقیقاتی چند درباره *ملانصرالدین* صورت گرفته است؛ برای مثال، فرهاد دشتکی در مقاله «ملانصرالدین و مسئله زنان» به‌طور ضمنی در بحث از زنان، مقوله‌ای را به حجاب اختصاص داده است. هم‌چنین کتاب *سرگذشت سایه‌ها* مقاله‌های *ملانصرالدین* را در خصوص زنان و کودکان ترجمه کرده است. علاوه بر آن، در کتاب *ملانصرالدین و ایران* گزیده‌ای از مقاله‌های *ملانصرالدین* درباره ایران ترجمه شده است. در خصوص زنان مقاله‌ای از کاظمی درباره رویکرد تاریخی *ملانصرالدین* به مسئله زنان و مقوله آموزش به‌چاپ رسیده است، اما آنچه در این پژوهش به‌طور خاص مدنظر است بررسی رویکرد *ملانصرالدین* به مسئله حجاب و لزوم مشارکت اجتماعی زنان مسلمان در روند نوگرایی جوامع شرقی است.

## ۲. زنان مستور: مقایسه زن مسلمان با زن فرنگی

مستوری زنان در شرق یکی از مهم‌ترین موضوع‌های موردتوجه *ملانصرالدین* بود. این نشریه به‌صراحت از محبوس بودن زنان در خانه‌ها و حجاب مرسوم جوامع اسلامی (چادر و روبنده) انتقاد کرد. هم‌چنین، در این دوره از نظر گروهی از روشن‌فکران پیش‌شرط ترقی جامعه حضور اجتماعی زنان و کنارگذاشتن حجاب سستی بود. در این باره، الگوی زن غربی ارائه شد. واقعیت این بود که در جوامع سستی جدایی کامل زنان از محیط اجتماع و تقسیم‌بندی جامعه بر مبنای طبقه‌بندی جنسیتی، تعلق زن به محیط اندرونی و تعلق مرد به محیط بیرونی، نه تنها در اجتماع، که در فرهنگ و ادبیات نیز حاکم بود (عاملی رضایی ۱۳۸۹: ۱۶). هرگونه حضور زنان در عرصه عمومی به‌سختی و آن هم در اوضاع و احوال خاص و با حضور یکی از محارم و استفاده از پوشش (چادر و روبنده) امکان‌پذیر بود. در این حالت، زن به‌شکل کامل مستور بود و دست و صورتش نیز دیده نمی‌شد (*ملانصرالدین* ۱۳۲۵: ش ۵، ۸). این مسئله نشان‌دهنده این اعتقاد بود که عرصه عمومی

جایگاه مردان است. هر زنی بخواهد به میدان قدرت مردانه گام بگذارد باید مستوره بماند و یادآور این حقیقت است که تحرک زنان و ورود آنان به عرصه عمومی ناپسند و حتی شیطانی است (میلانی ۱۳۷۹: ۲۱۵). در حالی که منطق سیاسی گفتمان نوگرایی حضور زن را در کنار مرد می‌طلبید (نجم‌آبادی ۱۳۸۴: ۹۱). از این رو، مستوری زنان و حضور نداشتن اجتماعی آنان نمی‌توانست مورد پذیرش جریان نوگرایی باشد که به دنبال رفع پرده‌پوشی زنان بود. در این باره، *ملانصرالدین* از حقوق زنان اروپایی و وضعیت آنان نوشت و زنان فرنگی را با زنان مسلمان مقایسه کرد.

*ملانصرالدین* برای اولین بار در جهان اسلام سیمای زن مسلمان را به تصویر کشید، که اعتراض‌های زیادی را در پی داشت (*ملانصرالدین* ۱۳۲۴: ش ۲۸، ۳). پوشیده‌نبودن زن فرنگی و اختلاط زن و مرد مهم‌ترین موارد تفاوت فرهنگی شرق و غرب بود. در مجموعه کاریکاتورها و مقاله‌های *ملانصرالدین* این تفاوت فرهنگی به خوبی نمایان است. زنان در *ملانصرالدین* به دو شکل ترسیم شده‌اند: زن مدرن و بدون پوشش متعارف اسلامی (در قالب پیراهن بلند و استفاده از کلاه برای پوشش موهای سر) و زن سنتی در قالب چادر و روبنده و بعضاً با پیراهن و زیرجامه‌های کوتاه.

هدف بیرون آمدن زن از فضای خصوصی به فضای عمومی بود. از این رو، در گفتمان *ملانصرالدین* پوشش زن مسلمان با زن فرنگی مقایسه شد (*ملانصرالدین* ۱۳۲۶: ش ۴۰، ۴). در جوامع سنتی دغدغه بسیاری از مردان این بود که زنان بدون پوشش در برابر چشم اغیار ظاهر نشوند. نیز، این نگرانی وجود داشت که زنان مسلمان در چشم غریبان چگونه دیده می‌شدند و درباره آنان چگونه داوری می‌شد. کاریکاتورهای *ملانصرالدین* نشان‌دهنده تعجب غیرمسلمانان از زنان مسلمانی است که صورت آنان نیز نمایان نبود (همان: ش ۴۱، ۵). *ملانصرالدین* در صدد چاره‌جویی برای این مسئله و رفع کردن موهومات در این باره بود. بنابراین، درباره اصول و مبانی آن بحث کرد. در این مورد، طرز پوشش و رنگ سیاه چادر زنان مورد توجه قرار گرفت. در یکی از شماره‌ها چند زن در حالی که در چادر سیاهی به شکل کامل خود را پوشانده‌اند، پشت به مردان ترسیم شده‌اند. مرد عابر پیاده در تشخیص سیاهی درمانده است. در ادامه، به محض دور شدن مرد، زنان سر خود را بلند کرده و به عقب نگاه می‌کنند و صورت آنان دیده می‌شود و مرد غریبه تشخیص می‌دهد که آنان زن هستند (*ملانصرالدین* ۱۳۲۴: ش ۳۸، ۵).

از سوی دیگر، پوشش عده‌ای از زنان مسلمان، به ویژه در منطقه ایران و قفقاز، ترکیبی از پیراهن و زیرجامه‌های کوتاهی بود که عملاً پاهای آنان را نمایان می‌کرد

از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پی‌آمدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه ... ۱۹۵

(ملانصرالدین ۱۳۲۴: ش ۱۴، ۱؛ ملانصرالدین ۱۳۲۶: ش ۲۲، ۱). ملانصرالدین این نوع پوشش را «بی‌حیایی» می‌دانست و ترجیح می‌داد زنان مسلمان مانند زنان اروپایی از پوششی با پیراهن‌های بلند استفاده کنند تا جامه‌های کوتاه. در کاریکاتوری برای مقایسه، زن اروپایی با پیراهنی بلند در کنار زنان ایرانی با پیراهن کوتاه و زیرجامه ترسیم شده است (ملانصرالدین ۱۳۲۴: ش ۳۶، ۵). ملانصرالدین در مقاله «مسئله زنان» این نوع پوشش را مجدداً به نقد کشید و آن را از نگاه غیرمسلمانان خنده‌دار دانست و به‌صراحت نوشت ما می‌خواهیم زن مسلمان زمانی که به بیرون از خانه می‌رود لباسی بپوشد که هیچ کجای بدنش بیرون نباشد تا مسافران خارجی بعد از سیاحت در ایران و توران در بازگشت به وطن خود نگویند این است مسلمانی (ملانصرالدین ۱۳۲۵: ش ۱، ۳-۶).

### ۳. حجاب و اخلاق جنسیتی: رابطه حجاب و عفاف

ملانصرالدین زمانی مسئله حجاب را به‌شکل گسترده بررسی کرد که در ایران فعالان عرصه حقوق زنان از مسئله حجاب جدا شده بودند و به طرح مسائل دیگر روی آورده بودند (نجم‌آبادی ۱۳۸۴: ۱۲۶). در این دوره، کسانی که حجاب را عامل محرومیت زنان از حقوق اجتماعی می‌دانستند چندان قابل توجه نبودند (خسروپناه ۱۳۸۲: ۱۲۱). از سوی دیگر، در جوامع سستی فرض بر این بود که سلامت جامعه در گرو حجاب و پوشیدگی کامل زنان بود و با برداشتن حجاب زنان نجابت و پاک‌دامنی آنان از بین می‌رفت و به‌تبع آن فساد در جامعه رشد می‌کرد. ترس از این بود که روبازگشتن زنان به بی‌حجابی منجر شود. ملانصرالدین بر نادرستی این تفکر تأکید کرد و حجاب سستی را ضامن حفظ عفت زنان و سلامت جامعه ندانست. از سوی دیگر، هرچند اصل حجاب مورد اتفاق جوامع سستی بود، اما حدود این پوشش مورد اختلاف و مسئله‌ای مناقشه‌برانگیز بین فقها بود. نگاه غالب تمامی بدن حتی دست، صورت، و صدای زن را «عورت» و استفاده از روبنده را الزامی می‌دانست. درحالی‌که جریان نوگرا اقتضای زمانه را در حضور زن مسلمان در جامعه می‌دانست. به‌این ترتیب، مقابله با استفاده از روبنده به ابزاری برای مبارزه با سنت‌گرایی تبدیل شد، اما این مسئله چگونه می‌توانست حل شود؟ ملانصرالدین با آگاهی از نقش زنان در ترقی جوامع اسلامی سعی در چاره‌جویی داشت. در این باره، نظرهای رایج درباره حجاب و حدود آن را ختم کلام و دربرگیرنده کل حقایق ندانست و با اتکا به منابع دینی، موضوع حجاب سستی را به‌چالش کشید.

#### ۴. تأکید بر ادله قرآنی در مسئله حجاب

در موضوع حجاب ملا نصرالدین موضوع استفاده از روبنده و وجه دینی آن را به بحث کشید و پیش نهاد کرد به اصل مسئله (قرآن) رجوع شود. در این باره، با بازخوانی دلایل مذهبی حجاب نظرها و اندیشه‌های فقها درباره حدود آن را بررسی کرد. ملا نصرالدین ضمن مخالفت با شرعی خواندن استفاده از روبنده، با ذکر آیات حجاب در قرآن، روباز بودن زنان را جایز دانست و این مسئله را ریشه‌یابی کرد که چرا مسلمانان مخالف حضور بدون روبنده زنان در جامعه‌اند. ملا نصرالدین مشکل اصلی مسلمانان را دور شدن از قرآن دانست و اعلام کرد تنها مرجع برای فهم مسئله حجاب و حدود آن آیات قرآن است نه تفسیرها و برداشت‌های شخصی (ملا نصرالدین ۱۳۲۵: ش ۲۰، ۲-۳). ملا نصرالدین مبنای استدلال خود را بر آیات و شواهدی قرار می‌دهد که علمایی چون شیخ طوسی، شیخ بحرانی، و شیخ کلینی نیز بر آنان تأکید کردند. بر این اساس، روباز بودن زنان خلاف شرع نیست؛ چرا که در قرآن آیه‌ای روشن مبنی بر حرام بودن آن وجود نداشت؛ بلکه سستی بود که به مسلمانان رسیده بود و آنان به این سنت خو گرفته بودند. ملا نصرالدین با استناد به آیات و روایات بر دو نوع زینت طبیعی و ظاهری قائل است و با تأیید پوشیدن زینت‌های طبیعی، بر آشکار شدن زینت ظاهری تأکید دارد (همان: ش ۲۳، ۲-۳). بر این اساس، زنان برای گذراندن زندگی دنیوی خود جایز به باز کردن صورت و دست‌های خود بودند (همان: ۷). به زعم ملا نصرالدین مسلمانان روح آیات را گم کرده و بدین لحاظ، پوشاندن صورت و دست‌ها را مساوی با پوشاندن «عورت» دانسته‌اند. بنابراین، ریشه مسائلی از این دست را نه در دین، بلکه باید در فرهنگ و سنت‌ها جست‌وجو کرد که به اسم شریعت زنان را مجبور به استفاده از روبنده می‌کردند (همان: ش ۲۰، ۳). این برداشت به نوعی تداعی‌کننده سخن مرنیسی است که می‌گوید: به یقین در جوامع شرقی این صاحبان منافع اند که به علت سودجویی‌های نامشروع خود در راه احقاق حقوق زن مانع تراشی می‌کنند (مرنیسی ۱۳۸۰: ۵۱).

ملا نصرالدین در بررسی حجاب و حدود آن فقط بر آیات قرآن استناد دارد و از رجوع به روایات و احادیث نبوی خودداری می‌کند، به طوری که با ذکر آیات حجاب و تفسیر آنان، عقیده لزوم استفاده از روبنده و اسلامی بودن آن را با ادله رد کرد و آن را سنتی غیراسلامی و مخالف ترقی زنان دانست و سعی کرد تعریف جدیدی از حجاب ارائه دهد که براساس آن دیگر در تعریف سنتی (استفاده از چادر و روبنده) معنی پیدا نمی‌کرد، بلکه در رویکرد مدرن به حجاب، تأکید نه بر ظواهر اسلامی و حجاب بیرونی، بلکه بر عفت و حجاب درونی بود

و این امر لزوماً منافاتی با شریعت نداشت. البته گفتنی است که کشف حجاب مورد نظر *ملانصرالدین* به معنای حذف پوشش موی زنان نبود، بلکه بیش‌تر به معنی برداشتن روبنده و جای‌گزینی برای چادر بود. از منظر *ملانصرالدین* هدف حجاب در اسلام نه حبس زنان در منازل، بلکه پوشش زنان و پرهیز از خودنمایی در معاشرت با مردان است. در این باره، *ملانصرالدین* سعی کرد حدود این پوشش را با استناد به قرآن بیان و روشن کند. از سوی دیگر، *ملانصرالدین* به خوبی بر این مسئله واقف بود که جامعه آماده تجدیدنظر درباره پوشش زنان نبود، بنابراین، راه مبارزه را در آموزش و تربیت دختران می‌دانست؛ چراکه در آن صورت قدر خود را دانسته و می‌داند چه رفتاری کنند (*ملانصرالدین* ۱۳۲۵: ش ۲۰، ۳).

علاوه بر خوانش‌های متفاوت دینی، *ملانصرالدین* غلبه فرهنگ مردسالار در جوامع سستی را علت دیگر استفاده از روبنده می‌داند. جامعه‌ای که در آن اگر زنی بدون روبنده بیرون می‌رفت، مردان او را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و آن را نتیجه بی‌غیرتی مردانشان می‌دانستند (همان: ۲-۳). از سوی دیگر، بر طبق دیدگاه مردسالارانه، روبازگشتن زنان منتج به روابط پنهانی و خارج از چهارچوب خانواده با مردان دیگر می‌شد. «مردان باغیرت» معتقد بودند «زن اگر روباز می‌گشت، با مردان دیگر آشنا می‌شد». *ملانصرالدین* با آن دیدگاه مقابله کرد و از زنان ارمنی یاد کرد که روباز می‌گشتند بی‌آنکه اعمال خلاف منافی عفت عمومی انجام دهند. در این باره، خطاب به افکار عمومی این سؤال را مطرح می‌کند که چرا باید به زنان این‌گونه بی‌اعتماد بود و آیا بی‌حجابی دلیلی بر بی‌اخلاقی و بی‌عفتی است؟ *ملانصرالدین* با تأکید بر مباحث تربیتی در این خصوص اعلام کرد که چه‌بسا زنانی که در چهاردیواری‌ها پرورش یافته‌اند، اما چندان پای‌بند اصول اخلاقی نیستند. *ملانصرالدین* در ادامه، این سؤال را پیش می‌کشد: آیا ما مجازیم این‌گونه فکر کنیم؟ زنان ما چه گناهی دارند که ما در مورد آنان بدگمانیم (همان: ۳). *ملانصرالدین* به صراحت اعلام داشت که همان‌طور که نتوانسته‌ایم با عبارت «شراب حرام است، مردان را از سرمستی نگه داریم با حجاب هم نمی‌توانیم زنان را از بی‌اخلاقی نگه داریم» (*ملانصرالدین* ۱۳۲۷: ش ۱۷، ۸).

*ملانصرالدین* رابطه معناداری میان حجاب و عفاف نمی‌دید و این مسئله موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی سنت‌گرایان شد. به زعم آنان *ملانصرالدین* با غیرشرعی خواندن روبنده درصدد دورکردن زنان از مذهب بود. در نامه یکی از زنان به *ملانصرالدین* آمده است: «قصده داری ما زنان مسلمان مثل زن‌های ارمنی روباز بگردیم. ما را با زن‌های ارمنی مقایسه کردی و می‌خواهی به مانند آن‌ها شویم» (*ملانصرالدین* ۱۳۲۴: ش ۲۱، ۶-۷). از سوی دیگر، جناح سستی برای وصف خطر حضور زنان در سطح جامعه

روایاتی را توصیف می‌کرد که در آن زنان روسی در حالت مستی به خیابان‌ها می‌آمدند (ملانصرالدین ۱۳۲۶: ش ۱۵، ۳). درحقیقت، داستان‌پردازی‌های فراساخته نگرشی بود که به گشاده‌روبودن زنان در خارج از خانه عادت نداشت و برای آنان زنجیره‌ای خیالی و رؤیایی مست را تداعی می‌کرد (توکلی طرقي ۱۳۷۰: ۹۱). ازجانب طیف سنتی، باتوجه به ذهنیت رایج دال‌بر تلازم عفت و پرده‌پوشی، بسیاری از زنان بدون حجاب، به‌ویژه زنان غربی، در معرض اتهام بی‌عفتی بودند. این درحالی بود که گیتی‌مداران «کشف حجاب» هم‌چون زنان فرنگ را زمینه کمال، ترقی، و آزادی می‌پنداشتند (توکلی طرقي ۱۳۸۲: ۱۳۵). از نگاه ملانصرالدین ذهن شرقی نگاه نادرست و دور از حقیقتی درباره زنان غربی داشت. بدین‌لحاظ در مقاله‌های «فیلسوفان» و «خانم‌ها» آن را به‌چالش کشید و ضمن برشمردن قهرمانان زن اروپایی، هرگونه اظهارنظر درباره زنان را وظیفه اندیشمندان جامعه دانست (ملانصرالدین ۱۳۲۶: ش ۱۵، ۲-۳). ملانصرالدین از زنان غربی آشنا با علوم و معارف جدید سخن گفت و با نکوهش کردن هرگونه بی‌حرمتی به زنان غربی آن را ناشی از نبود شناخت صحیح جوامع اسلامی از غرب دانست. از نظر ملانصرالدین آنانی که زنان اروپایی را متهم به بی‌عفتی می‌کنند از تاریخ و مدنیت اروپا بی‌خبرند (ملانصرالدین ۱۳۲۷: ش ۱۳، ۴-۵). براین‌اساس، نباید نوع پوشش محکی برای تعیین عفت زنان می‌بود. البته پیش‌ازاین طیفی از سیاحان ایرانی در نگرش به زن فرنگی و بازنگری به زن خودی، الگوی اولیه زن نجیب مدرنی را فراساختند که معیار نجابتش نه پوشش پیکر، که تربیت و معرفت نفسانی او بود. در این مقایسه تربیت و حجاب نقشی یک‌سان داشتند (توکلی طرقي ۱۳۸۲: ۱۷۴-۱۷۵).

##### ۵. محرومیت اجتماعی زنان: دعوت به ورود زنان به عرصه عمومی

ملانصرالدین، در جایگاه فعال و مدافع حقوق زنان، مسئله ضرورت حضور اجتماعی زنان را مورد تأکید قرار داد؛ چراکه ضامن خوش‌بختی یا بدبختی یک ملت زنان جامعه‌اند (ملانصرالدین ۱۳۲۷: ش ۶، ۶)؛ بنابراین، باید در اجتماع حضور می‌یافتند، ولی این امر چگونه با پوشش سنتی (روبنده‌زدن زنان) امکان‌پذیر بود؟ واقعیت این بود که در فرهنگ سنتی با زنانه و مردانه کردن مکان، یعنی گونه‌مندی آن، زنان اغلب خانه‌نشین و پرده‌نشین بودند و حضورشان در مکان مردانه ناپسند بود (توکلی طرقي ۱۳۸۲: ۱۸۰). زنان در محدود حضورهای خود در بیرون از منزل باید جدا از مردان قرار می‌گرفتند و حتی سوارشدن زن و مرد در یک درشکه یک نوع اباحه‌گری تلقی می‌شد (ملانصرالدین ۱۳۲۷: ش ۶، ۸؛ همان: ش ۵۱، ۸؛ ملانصرالدین ۱۳۲۴: ش ۲۴، ۴). وضعیت برای بسیاری از زنان مشکل



از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پی‌آمدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه ... ۱۹۹

بود. زنان اگر می‌خواستند پیشرفت کنند، باید مقابل فرهنگ سنتی ایستادگی می‌کردند و آزادی‌های لازم را به‌دست می‌آوردند، اما دیدگاه سنتی بر این عقیده بود که اگر به زنان آزادی داده شود، روبنده و چادر کهنه می‌شوند و دین و ایمان از دست می‌رود (ملانصرالدین ۱۳۲۷: ش ۵۱، ۷).

ملانصرالدین به‌خوبی واقف بود که دست‌یابی زنان جوامع اسلامی به آزادی و حقوق مدنی چون آموزش، حقوق مساوی با مردان، ورود به دانشگاه‌ها و «یونیورسیت‌ها»، کسب حق رأی، و دیگر آزادی‌ها نیازمند تحرک و حضور اجتماعی آنان است. در این باره، در مقاله‌ای به‌صراحت از زنان دعوت به‌عمل آورد که هم برای خود و هم برای نسل آینده در صحنه اجتماعی حاضر باشند (ملانصرالدین ۱۳۲۵: ش ۳۱، ۶). این مسئله از اساس با فرهنگ محصورکردن زنان و محدودکردن آنان در تضاد بود. هرچند مهارکردن زن در فضایی فرو بسته و حاشیه‌ای و مجازنداستن حضور و مشارکت فعال او در عرصه فعالیت‌های اجتماعی پدیده‌ای جهانی بود (میلانی ۱۳۷۹: ۲۱۴)؛ ولی آنچه این مسئله را در شرق به موضوعی حساسیت‌برانگیز تبدیل کرد پیوند آن با سنت‌ها و مباحث مذهبی بود.

به‌زعم ملانصرالدین غلبه فرهنگ غیرت‌مداری، یکی از عوامل اصلی نبود حضور اجتماعی زنان بود. بر این اساس، مردان با استفاده از غیرت دینی برانگیخته می‌شدند تا در مقابل هرگونه بی‌حجابی مقابله کنند، اما در گفتمان جدیدی که ملانصرالدین بر آن تأکید داشت، مقوله «غیرت مردانه» مورد آسیب‌شناسی و نقد قرار گرفت. بر این اساس، مردان نقش مهمی در حبس زنان در خانه‌ها داشتند. در جوامع نمونه ملانصرالدین نقش زنان به کارهای منزل و اطاعت از همسر محدود بود. زن نباید اعتراض می‌کرد و سکوت زینده زن بود (ملانصرالدین ۱۳۲۶: ش ۳۰، ۶). مسلمان واقعی کسی بود که زن او را هیچ کس نبیند و صدای او را نشنود. حضور زنان در اجتماع به‌معنی از بین رفتن خیر و برکت از روی زمین بود. مادران افتخار می‌کردند که دختران آنها را تابه‌حال کسی بیرون از خانه ندیده است. دختران و زنانی که بیرون از خانه دیده می‌شدند مورد خشونت و مجازات‌های خانواده‌های خود قرار می‌گرفتند (ملانصرالدین ۱۳۲۸: ش ۳۲، ۱؛ ملانصرالدین ۱۳۲۶: ش ۳۷، ۵). حتی بیرون رفتن مرد با زنش گناه تلقی می‌شد و تلاش عامه مردم در تمامی عمرشان این بود که مرتکب چنین گناهی نشوند. تعریف زن در این جامعه حبس زن در خانه بود؛ چراکه در این دیدگاه زن اعتباری نداشت و اگر مردی برخلاف آن عمل می‌کرد و اجازه حضور در اجتماع به زنان خود را می‌داد، متهم به بی‌غیرتی می‌شد؛ چراکه در تضاد با ارزش‌های جامعه بود (ملانصرالدین ۱۳۲۴: ش ۲۷، ۵-۶). نقش‌آفرینی غیرت در ممانعت از حضور

اجتماعی زنان به حدی بود که همراهی مردان با زنان در اجتماع، اماکن عمومی، سفرها، و مهمانی‌ها پذیرفتنی نبود (ملانصرالدین ۱۳۲۸: ش ۴، ۵). بسیاری از مردان افتخارشان بر این بود که با زنان خود نه تنها به مسافرت، بلکه تا سر کوچه نرفته بودند (ملانصرالدین ۱۳۲۴: ش ۲۶، ۷). روحانیت سنتی منع حضور اجتماعی زنان را تقویت می‌کرد. بر این اساس، مردانی که با زنان خود به زیارت اقوام و آشنایان یا مسافرت می‌رفتند «بی‌ناموس» لقب می‌گرفتند. از این رو، زینبده زن آن بود که «در خانه حبس شده» و «در خانه نیز بر روی آن‌ها قفل شود». «دین‌داری»، «باناموسی»، و «غیرت مردانه» برابر با پنهان کردن زن و رؤیت نکردن مردان دیگر از زنان بود (همان: ش ۲۷، ۳). بدین لحاظ، آنان مانع حضور اجتماعی زنان در اماکن عمومی، مانند باغ‌ها و تفرج‌گاه‌ها، می‌شدند. در حالی که زنان غیرمسلمان به راحتی در این گونه اماکن حضور می‌یافتند. مردان مسلمان به زنان خود اجازه حضور در این اماکن نمی‌دادند، حتی اگر زنان پوشش و حجاب کامل در مفهوم سنتی زمانه خود را (استفاده از روبنده) نیز رعایت می‌کردند. آنان ترس داشتند که متهم به بی‌غیرتی شوند؛ چراکه مسئولیت حفظ و نگه‌داری زنان برعهده مردان بود و حضور زن در اجتماع فقط یک علت می‌توانست داشته باشد: بی‌غیرتی مردان. زنان نیز، برای این که مردانشان از تهمت بی‌غیرتی در امان باشند، در خانه ماندن را بر حضور اجتماعی ترجیح می‌دادند (ملانصرالدین ۱۳۲۸: ش ۲۳، ۲-۳). نقش‌آفرینی غیرت به منزله مفهومی رایج در فرهنگ عمومی محدود به ممانعت از حضور زن در اجتماع نمی‌شد، بلکه در مواردی سبب حذف فیزیکی زن و قتل او می‌شد. به همین علت است که در ملانصرالدین از غیرت به «زن‌کشی» تعبیر شده است (دشتکی نیا ۱۳۹۵: ۱۵۸). از سوی دیگر، به زعم ملانصرالدین فقدان امنیت اجتماعی پرده‌پوشی زنان را تشدید می‌کرد. از این منظر، ایجاد مزاحمت‌ها و چشم‌چرانی مردان اجازه حضور در اجتماع را به زنان مسلمان نمی‌داد. این مسئله آن قدر برای زنان آزاردهنده بود که به محض مشاهده مردان در کوچه و خیابان مجبور به پنهان شدن بودند. این امر هنگام مسافرت با قطار بیش تر جلوه داشت. به طوری که رفت و آمد مردان «اجازه نفس کشیدن» از زنان را سلب می‌کرد (ملانصرالدین ۱۳۲۵: ش ۲۱، ۷). بر این اساس، حجاب لزوماً نقش چندانی در امنیت اجتماعی زنان نداشت.

حضور اجتماعی زنان در جوامع اسلامی نیازمند پذیرش عمومی بود. نگرانی از این بود که با رفع حجاب سنتی و حضور زنان در اجتماع عفت عمومی به خطر بیفتد. در عرف اجتماعی، آمیزش زن بی‌حجاب در «بیرون» با مردی نامحرم نشانه «بدکاره» بودن زن، رواج بی‌بندوباری، و علت فروپاشی نظام اخلاقی حاکم پنداشته می‌شد (ترابی فارسانی ۱۳۸۸: ۱۴۰).

از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پی‌آمدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه ... ۲۰۱

این نگرانی مختص به این دوره نبود؛ به طوری که بعدها در ایران زمانی که رضاشاه در صدد صدور فرمان کشف حجاب برآمد، این دل‌نگرانی وجود داشت. به همین علت، دستور داده شد که روسپیان و معروفه‌ها نباید کشف حجاب کنند تا بی‌حجابی برابر با بی‌عفتی و روسپی‌گری تلقی نشود (صادقی گیوی ۱۳۹۲: ۳۲). بنابراین، لازم می‌نمود که برای حضور اجتماعی زنان چاره‌اندیشی شود. در این باره، *ملانصرالدین* با ارائه تصویری از زنان اروپایی در صدد آگاه‌سازی زنان شرقی به منظور دستیابی به حقوق و منابع جدید برای آنان بود. *ملانصرالدین* در قالب کاریکاتوری زنان مدرن اروپایی را در صحنه‌های مختلف اجتماع، دوشادوش مردان، نشان داد. در حالی که زنان مسلمان به علت ناآگاهی و نداشتن مهارت‌های اجتماعی به دور از عرصه‌های اجتماعی قرار گرفته بودند (*ملانصرالدین* ۱۳۲۴: ش ۳۹، ۴-۵). این امر ناشی از تربیت زنان و جایگاه خانوادگی آنان بود. در حالی که زن اروپایی از دوران کودکی در حال تعلیم و تربیت و کسب دانش‌های لازم بود، زن شرقی در سنین کودکی مجبور به ازدواج اجباری و پرده‌نشینی می‌شد. *ملانصرالدین* این سؤال را مطرح می‌کند که زنان چه گناهی مرتکب شده‌اند که درباره آن‌ها گمان بد می‌شود و آن‌ها را در خانه حبس کرده‌ایم و برای خودمان کنیز و آشپز و اسباب‌بازی ساخته‌ایم؟ *ملانصرالدین* به صراحت از زنان دعوت می‌کند که به صحنه بیایند: «اگر دختران به میدان نیایند و در صحنه نباشند، تأمین آینده فرزندان وطن مشکل خواهد بود». با این حال، *ملانصرالدین* به خوبی از مقاومت طیف سنتی آگاه بود. به طوری که به طنز نوشت که اگر در تبریز زنان به صحنه بیایند، جواب هفتاد و دو ملت را چه باید داد؟ از منظر *ملانصرالدین* همان‌طور که خورشید نورش را می‌بخشد زنان و مادران نیز نور کمال خود را باید به فرزندان‌شان ببخشند (*ملانصرالدین* ۱۳۲۵: ش ۳۱، ۶). از این سخنان به خوبی پیداست که *ملانصرالدین* مانند دیگر فعالان حقوق زنان در این دوره شرط هرگونه تغییر و تحول در جامعه و نسل‌های آتی را در آموزش، آگاهی، و مشارکت اجتماعی آنان می‌دانست، ولی این امر نیازمند تحول فکری و فرهنگی جامعه بود که *ملانصرالدین* بر آن تأکید داشت.

## ۱.۵ تحصیل علم و آموزش گام نخست حضور اجتماعی زنان

آموزش مقدمه حضور در اجتماع و زندگی سعادت‌مندانه زنان تلقی می‌شد. از سوی دیگر، فهم این نکته مهم است که فشارهای شدید اجتماعی و مذهبی دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی را برای دختران محدود کرده بود (سانساریان ۱۳۸۴: ۳۱). بدین لحاظ یکی از

دغدغه‌های اصلی *ملانصرالدین* مسئله آموزش زنان بود. جامعه سنتی به شدت با علم، به ویژه سوادآموزی زنان، مخالفت می‌کرد و آن را عامل اشاعه فساد و تباهی در جامعه و از بین رفتن حرمت‌ها می‌دانست. از نظر آنان مسلمانان، به ویژه زنان، نیازی به علم و سوادآموزی نداشتند و تحصیل علم زنان نوعی «بی‌حیایی» بود. بنابراین، سخت درمقابل این پدیده نوظهور مقاومت می‌کردند و از آن استغفار می‌نمودند (*ملانصرالدین* ۱۳۲۷: ش ۴، ۴؛ *ملانصرالدین* ۱۳۲۴: ش ۲۳، ۳). این درحالی بود که زنان مقهور جهل و بی‌سوادی و به تبع آن خرافه بودند (همان: ش ۲۷، ۶).

آموزش زنان در بین زنان نیز مخالفان زیادی داشت؛ به طوری که یکی از زنان در نامه‌ای به *ملانصرالدین* مدرسه رفتن زنان را خلاف عقل دانست و با اظهار تعجب این سؤال را مطرح کرد که دختران مسلمان مثل دختران ارمنی و روسی به مدرسه بروند؟ و در ادامه با طرح مسئله غیرت می‌نویسد که به علت این افکار جدید است که «زمین و زمان به هم خورده است». از نظر او وقوع بلایای طبیعی و منازعه‌های نظامی منطبق با ارتباط با مدرسه رفتن دختران و خرق عادت نبود (همان: ش ۲۹، ۶). در چنین وضعیتی، *ملانصرالدین* بر آموزش زنان و لزوم افتتاح مدارس دخترانه تأکید می‌کرد و آن را «عملی واجب» می‌دانست؛ چراکه تربیت فرزندان و نسل آینده در «دست مادران» بود (*ملانصرالدین* ۱۳۲۷: ش ۲۸، ۶). از نظر روشن‌فکران این دوره زنان تحصیل کرده همسران متعهدتری خواهند بود و فرزندان و شهروندان بهتری برای ملت تربیت خواهند کرد (آفاری ۱۳۷۹: ۲۶۱). بنابراین، برای تحقق این امر باید زنان ابتدا توانمند می‌شدند، اما این امر در جوامع سنتی چگونه امکان‌پذیر بود؟ پاسخ *ملانصرالدین* به این مسئله آموزش زنان بود. طبق این دیدگاه آموزش زنان ضرورت داشت؛ زیرا تعمیم سواد و ایجادکردن مهارت‌های لازم برای مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه و کسب درآمد به استقلال زنان می‌انجامید و آن‌ها را از وابستگی به مرد می‌رهانید. دیدگاهی که *ملانصرالدین* درباره ضرورت تحصیل زنان مطرح می‌کرد صرفاً بر نقش زن در مقام مادر مبتنی نبود، بلکه از اهمیت آموزش زنان و توانمندسازی او برای اداره بهتر خانه و فرزندان فراتر می‌رفت و با تأکید بر خودآگاهی و استقلال زنان و پایان بخشیدن به نگاه سنتی به آنان (در جایگاه مادر - همسر) به فراهم‌سازی زمینه برای کار و درآمد و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌رسید. درحقیقت، *ملانصرالدین* برخلاف فضای سنتی حاکم بر جوامع اسلامی با اهمیت دادن به آموزش زنان توجه خوانندگان خود را به ضرورت گسترش تحصیلات زنان به منظور آگاهی درمورد حقوق خود و امکان حضور در فعالیت‌های اجتماعی حتی در کنار مردان جلب می‌کرد

از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پی‌آمدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه ... ۲۰۳

(ملانصرالدین ۱۳۲۷: ش ۱۸، ۱؛ همان: ش ۱۳، ۶). ملانصرالدین در زمانه‌ای که تحصیل دختران «خلاف شرع اسلام» محسوب می‌شد، بر لزوم تحصیل زنان و تأسیس مدارس دخترانه تأکید کرد؛ چراکه مدارس دخترانه فقط مکان سوادآموزی در طایفه نسوان و کسب معارف و پیوستن به کارزار تمدن از راه تحصیل علم نبود، بلکه پایگاهی بود برای آموزش و تمرین شهروندی (نجم‌آبادی ۱۳۸۴: ۲۰). ملانصرالدین بر تحصیل علوم جدید براساس قواعد اروپایی تأکید می‌کرد و معتقد بود که تعلیم و آموزش باید اجباری باشد (ملانصرالدین ۱۳۲۸: ش ۲۸، ۲-۳) و درعین حال، با آگاهی از دغدغه‌ها و واهمه‌های جامعه سستی بر اسلامی بودن این‌گونه مدارس تأکید کرد. قرار بود در این مدارس «علم به‌همراه انسانیت و اسلامیت» باشد (ملانصرالدین ۱۳۲۴: ش ۱۴، ۱). با این حال، استفاده از روبنده را مانعی برای حضور دختران در مدارس دانست؛ چراکه استفاده از روبنده برای حجاب رفته‌رفته به حذف زن مسلمان از اجتماع و حتی از مراکز علم و تربیت منجر شده بود (اروجی ۱۳۹۴: ۱).

## ۲.۵ اشتغال زنان و لزوم تغییر پوشش سستی

از نگاه تجددخواهانی چون صاحبان ملانصرالدین ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی یکی از پایه‌های برابری زن و مرد محسوب می‌شد. تجربه‌های زنان اروپایی و ورود آنان به عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی در این کشورها تأثیر زیادی بر این‌گونه دگراندیشان داشت. درحالی‌که فرهنگ سستی مواضع سخت‌گیرانه‌ای درباره زنان داشت و حضور آنان را در عرصه‌های عمومی بدون پوشش کامل (استفاده از روبنده) مورد حمله قرار می‌داد؛ ملانصرالدین لازمه حضور اجتماعی زنان را در ارتباط مستقیم با تعدیل در حجاب سستی (چادر و روبنده) می‌دانست. در این باره، با رد هرگونه پیوند میان حجاب و عفاف از ورود زنان به عرصه عمومی حمایت کرد. ناگفته نماند که از منظر تجددخواهان در این دوره، شرط تغییر و پیشرفت جوامع اسلامی حضور زنان در عرصه عمومی و خروج از مستوری بود. طرح بحث فعالیت اقتصادی زنان زمینه‌ساز چگونگی امکان اشتغال زنان مسلمان با استفاده از روبنده شد. ملانصرالدین استفاده از حجاب سستی (روبنده و چادر) را مانع حضور اجتماعی زنان، به‌ویژه برای زنان تحصیل‌کرده و جویای کار، می‌دانست. به‌طوری‌که در یکی از شماره‌ها موضوع زن روزنامه‌نگار مسیحی علاقه‌مند به اسلام و نگرانی او برای ادامه فعالیت‌های اجتماعی‌اش در صورت استفاده از روبنده را مطرح کرد

(ملانصرالدین ۱۳۲۸: ش ۳۱، ۲-۳). از منظر ملانصرالدین نباید حجاب و استفاده از روبنده مانعی برای گرایش زنان به دین اسلام می‌شد. براین اساس، قبول اسلام و استفاده از حجاب هیچ منافاتی با هم‌دیگر نداشت. باین حال، استفاده از روبنده را امری کاملاً شخصی و مرتبط با سلیقه، تربیت، و علائق زنان می‌دانست. از این منظر، این ترجیح شخصی افراد است که مشخص‌کننده نهایی در استفاده یا استفاده نکردن از روبنده است نه جبر اجتماعی و فرهنگی و حتی سنت‌ها. درحقیقت، ملانصرالدین تأکید داشت حجاب نباید عاملی تحمیلی برای محدودکردن آزادی و فعالیت‌های اجتماعی و جلوگیری از رشد استعدادهای زنان باشد، بلکه باید براساس انتخاب زن و به شکل آگاهانه صورت گیرد (همان: ۳-۴). واقعیت این بود که جامعه نمونه ملانصرالدین از درک مقوله فردیت و حق انتخاب زنان در استفاده از حجاب ناتوان بود و تنها راه برقراری نظم و امنیت در جامعه را ایجاد موانع برای حضور زنان در اجتماع و مهم‌تر از آن پنهان‌سازی زنان می‌دانست. ازدیدگاه ملانصرالدین حجاب نباید مانع و عامل بازدارنده برای تحصیل و کسب‌وکار زنان باشد. دراصل، تأکید بر تغییر جوامع اسلامی بود، تا باعث سرزنش و تعجب غیرمسلمانان نشود. در این باره، باید ذهن زنان و مردان جامعه تغییر می‌کرد. هرچند ملانصرالدین نیم‌نگاهی بر لزوم تغییر و تجدیدنظر در پوشش زنان با توجه به الزامات عصر داشت، اصل مسئله حجاب را مورد سؤال قرار نداد، بلکه بر مدرن‌شدن آن تأکید داشت. البته این را نباید از نظر دور داشت که عمده مخاطبان ملانصرالدین عامه مردم بودند که بیش‌تر در چهارچوب و قالب فرهنگ سنتی جای داشتند. بدین لحاظ، برخلاف دیگر آرای ملانصرالدین در باب لزوم تحصیل و نقد چندمسری و طلاق و حق آزادی زنان، که با معیارهای جدید و مدرن هم‌خوانی دارد، در بحث حجاب ملانصرالدین سازگاری بیش‌تری با عرف زمانه نشان داد. البته این به معنی نادیده‌گرفتن نگاه منتقدانه ملانصرالدین درباره پوشش و حدود حجاب زنان در جوامع اسلامی و هم‌خوانی نداشتن آن با رویکرد مدرن به مقوله زنان نیست. ملانصرالدین نه تنها به صورت آشکار از کشف حجاب جانب‌داری نکرد، بلکه کشف حجابی که از آن دفاع کرد عبارت بود از برداشتن روبنده و تعدیل حجاب و تغییر آن از چادر و پوشش سیاه به لباس بلند و مدرن اروپایی. از سوی دیگر، این مسئله چندان دور از ذهن نیست که ملانصرالدین تمایل به برداشتن چادر و بی‌حجابی داشته است، ولی به علت فضای اجتماعی و ساختارهای سنتی جوامع اسلامی برخلاف دیگر مباحث مطرح‌شده درباره زنان با احتیاط وارد شد. البته این به معنی پذیرش بی‌چون‌وچرای حجاب به منزله سنت اسلامی نبود؛ آنچه

از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پی‌آمدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه ... ۲۰۵

حائز اهمیت است استدلال *ملانصرالدین* در این زمینه است که برطبق آن حجاب را امری فردی دانسته که باید از روی عقیده فرد صورت بگیرد و شناخت و انتخاب باید اصل اساسی در گزینش حجاب باشد.

## ۶. نتیجه‌گیری

نشریه *ملانصرالدین* را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین مدافعان حقوق زنان دانست، که تحت‌تأثیر مدرنیته ضرورت بازبینی در نگاه سنتی به زنان و ارائه هویت جدید برای آنان را در جوامع اسلامی امری ضروری می‌دانست و از این‌رو موقعیت زنان در جوامع اسلامی را با زنان غربی مقایسه می‌کرد. در این‌باره، بحث حجاب سنتی را (چادر و روبنده)، به‌منزله یکی از مهم‌ترین نمادهای جوامع اسلامی، به‌چالش کشید. *ملانصرالدین* با تأکید بر لزوم تعدیل در حجاب سنتی، حضور اجتماعی زنان را مطرح کرد و موانع حضور اجتماعی زنان را آسیب‌شناسی کرد. در این‌باره، قرائت‌ها و خوانش‌های جهت‌دار از دین، در کنار فرهنگ سنتی مردسالارانه غیرت‌مدار و فقدان امنیت اجتماعی را از جمله موانع اصلی حضور زنان در جامعه دانست. *ملانصرالدین* بر لزوم حضور زنان در اجتماع و خروج آنان از دایره سنتی تأکید کرد و از تجدیدنظر در نحوه پوشش و حجاب زنان با توجه به الزامات عصر سخن گفت. *ملانصرالدین* حجاب سنتی رایج زمانه را نماد انقیاد زنان می‌دانست و معتقد بود که حجاب سنتی تحرک اجتماعی و انتخاب شخصی را کاهش می‌دهد. *ملانصرالدین* به‌علت قدرت دین در جوامع سنتی و درهم‌تنیدگی حجاب با دین و غیرت و حمایت سرسختانه سنت از حجاب، امکان طرح صریح کشف حجاب و مدرن‌شدن زنان مسلمان و الگوبرداری آنان از زنان اروپایی را نیافت، ولی بر جنبه اصلی و مهم در لزوم کشف حجاب زنان مسلمان، یعنی استفاده‌نکردن از روبنده تأکید کرد و زمینه را برای تغییرهای بعدی و طرح نظرهای جدید هموار کرد. از سوی دیگر، *ملانصرالدین* با رد صریح هرگونه ارتباط و التزام حجاب و عفت آن را برداشتی سنتی و نادرست دانست و قائل بر این بود که حجاب و لزوم استفاده از روبنده امری کاملاً فردی است و باید به اختیار و انتخاب زنان صورت گیرد و از جنبه تحمیلی و اجباری بودن، به بهانه‌های دینی و فرهنگ سنتی، خارج شود. گفتنی است، باوجود تابوی فرهنگی‌ای که درباره زنان وجود داشت، چاپ این‌گونه مطالب در آن زمان نوعی عمل انقلابی محسوب می‌شد.

## کتابنامه

- اروجی، فاطمه (۱۳۹۴)، «زن در اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده»، *ایران‌نامه*، ش ۱، دوره جدید.
- آفاری، جانت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸)، «تکاپوی زنان عصر قاجار: فردیت جهان سنت و گذر از آن»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۲.
- توکلی طرفی، محمد (۱۳۷۰)، «زنی بود، زنی نبود: بازخوانی "وجوب نقاب" و "مفاسد سفور"»، نیمه دیگر، ش ۱۴.
- توکلی طرفی، محمد (۱۳۸۲)، *تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ، تهران: تاریخ ایران*.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲)، *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، تهران: پیام امروز.
- دشتکی‌نیا، فرهاد (۱۳۹۵)، «ملانصرالدین و مسئله زنان؛ تحلیل رویکرد مجله ملانصرالدین به مسئله زنان»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، س ۶، ش ۱۲.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- صادقی گیوی، فاطمه (۱۳۹۲)، *کشف حجاب: بازخوانی یک مداخله مدرن*، تهران: نگاه معاصر.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹)، *سفر دانه به گل: سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار*، تهران: تاریخ ایران.
- مرنیسی، فاطمه (۱۳۸۰)، *زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش*، ترجمه ملیحه مغازه‌داری، تهران: نشر نی.
- ملانصرالدین (۱۳۲۴)، ش ۱۴، ش ۱۷، ش ۱۹، ش ۲۱، ش ۲۲، ش ۲۳، ش ۲۴، ش ۲۷، ش ۲۸، ش ۲۹، ش ۳۶، ش ۳۸، ش ۳۹، ش ۴۷.
- ملانصرالدین (۱۳۲۵)، ش ۱، ش ۲۰، ش ۲۱، ش ۲۳، ش ۲۷، ش ۳۱، ش ۴۲، ش ۴۵، ش ۲۲.
- ملانصرالدین (۱۳۲۶)، ش ۳۰، ش ۳۷، ش ۴۰، ش ۴۱.
- ملانصرالدین (۱۳۲۷)، ش ۴، ش ۶، ش ۱۳، ش ۱۷، ش ۱۸، ش ۲۸، ش ۴۰، ش ۴۲، ش ۵۱.
- ملانصرالدین (۱۳۲۸)، ش ۲۳، ش ۲۸، ش ۳۱، ش ۳۲.
- میلانی، فرزانه (۱۳۷۹)، «تبعید بلبل مادینه از سرزمین گل و بلبل»، *ایران‌نامه*، ش ۷۱.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۷۴)، «دگرگونی "زن" و "مرد" در زبان مشروطه»، نیمه دیگر، ش ۲.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۴)، «اقتدار و نمایندگی: بازبینی فعالیت‌های زنان در دوره رضاشاه»، *گفت‌وگو*، ش ۴۴.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۴)، «نقش زن بر متن مشروطیت»، *تلخیص‌نویسین طریقی، زنان*، ش ۱۳۴.